

واحد ترجمه.

علی خزاعی فر

یکی از ویژگیهای آشکار ترجمه مترجمان تازه کار لغوی بودن آنهاست. در این قبیل ترجمه ها مترجم کلمه در برابر کلمه می گذارد و با این کار ساختهای نحوی متن اصلی را در ترجمه حفظ می کند و نیز انسجام معنایی میان کلمات را که در متن اصلی وجود داشته سست می کند یا از بین می برد. در اینجا خطای مترجم این است که کلمه را واحد معنایی مستقلی تصور کرده و کلمات را جدا جدا و بی ارتباط با کلمات دیگر ترجمه می کند. لغت نامه های دوزبانه چنین توهمی را دامن می زنند یا اینکه خود آن را ایجاد می کنند. لغت نامه نویس کلمه را واحد معنایی مستقلی می پندارد و معادلهایی برای آن پیشنهاد می کند، حال آنکه اساساً معنی کلمه عنصر ثابتی نیست و در بسیاری از موارد نمی توان جدا از متن معادلهای ممکن یک کلمه را تعیین کرد. در متن، کلمه با سایر کلمات ترکیب می شود و با آنها روابط نحوی و معنایی برقرار می کند و بدین ترتیب معنی آن به معنی سایر کلمات وابسته می شود. در این موارد مترجم نمی تواند کلمه را بدون ارتباط با سایر کلمات ترجمه کند بدون آنکه انسجام معنایی میان کلمات در ترجمه محفوظ بماند.

واحد ترجمه، بنا به تعریف وینه و داربلنه (۱۹۵۸)، عبارت است از: «کوچکترین بخش عبارت که در آن انسجام میان اجزای تشکیل دهنده چنان است که نمی توان هر جزء را جداگانه ترجمه کرد.» به عبارت دیگر «ترجمه هر جزء به ترجمه جزء دیگر بستگی دارد.» مترجمان تازه کار معمولاً کلمه را واحد ترجمه می گیرند، خواه کلمه از نظر معنایی مستقل از سایر کلمات متن و خواه وابسته به آنها باشد. حال آنکه مترجمان با تجربه خود را به کلمه مقید نمی کنند و در مواردی که معنی کلمه به معنی سایر کلمات متن وابسته است از حد کلمه فراتر می روند و واحد ترجمه را گروه (phrase)، یا بند (clause) یا جمله و یا حتی پاراگراف انتخاب می کنند. مثالهای زیر نشان می دهد که کلمه همیشه واحد معنایی مستقلی نیست. در این موارد مترجم باید در سطح «واحد معنایی» ترجمه کند نه در سطح کلمه.

1. ... and left the nation to its own resources.

(برگرفته از ترجمه ای چاپ شده) ... و ملت را با ذخایر خودش تنها گذاشت.

2. naked aggression

(ترجمه دانشجو) تجاوز عریان

3. Do you mind if I open the window.

اعتراض دارید اگر پنجره را باز کنم.

4. His wise leadership has earned him the thanks of a grateful nation.

ملت با قدرشناسی رهبری مدبرانه او را ارج می نهد.

در مثال اول مترجم متوجه نبوده که کلمه resources در این جمله واحد معنایی مستقلی نیست بلکه جزیی از اصطلاحی است که معنی آن به نقل از دیکشنری لانگمن چنین است:

leave someone to their own resources: to leave someone to act as they wish or to do the best way they can, esp. in a difficult situation.

باتوجه به این تعریف می توان جمله فوق را چنین ترجمه کرد: «... و ملت را به حال خویش رها کرد.»

مثال دوم ترکیبی از دو کلمه (اسم + صفت) است که به اصطلاح زبان شناسان با یکدیگر همآیش (collocation) دارند. بطور خلاصه، هرگاه دو کلمه (مثلاً اسم و صفت، یا فعل و قید یا اسم و اسم) با یکدیگر ترکیب شوند به نحوی که این ترکیب برای اهل زبان ترکیبی آشنا و متداول باشد می گویند این دو کلمه با یکدیگر همآیش یا به تعبیری دیگر «میل ترکیبی* دارند». این قبیل ترکیبات را باید واحدهای معنایی مستقل دانست و آنها را به واحدهای معنایی مستقل یعنی ترکیبات دارای همآیش در زبان فارسی ترجمه کرد.

در این مثال مترجم اجزاء ترکیب را بدون ارتباط با یکدیگر ترجمه کرده و حاصل ترکیبی است که در فارسی معنی ندارد. در زبان فارسی برای بیان چنین مفهومی از ترکیب «تجاوز آشکار» استفاده می کنیم که ترکیبی آشنا و متداول است.

در مثال سوم، بخشی از جمله یعنی سه یا چهار کلمه اول را می توان یک واحد معنایی مستقل دانست و معادل آن در فارسی یک واحد معنایی مستقل (اشکالی ندارد) قرار داد. به عبارت دیگر می توان بخشی از این جمله یعنی سه یا چهار کلمه اول را در سطح گروه (phrase) ترجمه کرد: «اشکالی ندارد پنجره را باز کنم؟» یا «اجازه می دهید پنجره را باز کنم؟»

در مثال چهارم، جمله فارسی نه تنها ترجمه لفظ به لفظ جمله انگلیسی نیست بلکه هیچ یک از اجزاء جمله انگلیسی با معادل آن در جمله فارسی تطابق ندارد و در هر مورد صورت دستوری کلمه در ترجمه تغییر یافته است. برای مثال هر چند عبارت اسمی «رهبری مدبرانه» (wise leader-ship) عیناً در ترجمه نیز آمده، اما این عبارت در جمله اصلی فاعل جمله و در ترجمه مفعول جمله است. همچنین صفت grateful در ترجمه به قید تبدیل شده و nation فاعل جمله فارسی قرار گرفته است. در این مثال تنها مضمون جمله اصلی به ترجمه انتقال یافته، نه عبارات و ترتیب بیان آنها. به بیان زبان شناختی در اینجا مترجم واحد ترجمه را جمله انتخاب کرده و عبارت را در سطح جمله ترجمه کرده است.

! هریک از چهار مثال فوق نمونه ای از مواردی است که مترجم خود را مجبور می یابد واحد ترجمه را فراتر از کلمه انتخاب کند. این موارد عبارتند از: (۱) اصطلاحات و ضرب المثله؛ (۲) ترکیبهای دارای همآیش؛ (۳ و ۴) مواردی که بخشی یا تمام جمله عیناً به زبان دیگر قابل بیان

* رجوع کنید به مقاله «میل ترکیبی کلمات»، علی خزاعی فر، مترجم، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۹.

نیست و ترجمه تحت اللفظی آنها یا الف) معنایی مغایر با مقصود نویسنده به دست می دهد یا ب) باتوجه به محدودیتهای نحوی و معنایی زبان مقصد غیر ممکن است و یا ج) در زبان مقصد بیانی روان و طبیعی پیدا نمی کند* . در مورد واحد ترجمه نکات زیر قابل توجه است:

۱ - چنانکه از مثالهای فوق برمی آید، واحد ترجمه کمیت ثابتی نیست و در خلال ترجمه مدام تغییر می کند. گاه مترجم مجبور است جمله ای را در سطح جمله و جمله بعد را در سطح کلمه ترجمه کند و یا اینکه در ترجمه بخشی از جمله، واحد ترجمه را گروه (phrase) و در ترجمه بخشی دیگر واحد ترجمه را کلمه انتخاب کند. انتخاب واحد ترجمه لافل به سه عامل بستگی دارد و نمی توان واحدی خاص را برای همه موارد تجویز کرد. این سه عامل عبارتند از: نوع متن، مخاطب ترجمه و قابلیتها و محدودیتهای نحوی و معنایی زبان مقصد. برای مثال در ترجمه متون علمی واحد ترجمه عموماً کلمه است ولی در ترجمه گفتگوهای متون نمایشی یا زمانها، مترجم برای اینکه ترجمه را روان در بیاورد مجبور است در بسیاری از موارد واحد ترجمه را گروه یا بند یا جمله انتخاب کند.

۲ - هر چند ترجمه های تحت اللفظی که در آنها واحد ترجمه کلمه اختیار شده ترجمه های نامطلوبی هستند، اما به قول نیومارک مطلوب آن است که واحد ترجمه کلمه باشد زیرا هر چه واحد ترجمه کوچکتر باشد ترجمه ما را به اصل نزدیکتر می کند و تصویر دقیق تری از واقعیت متن به ما می دهد. در واقع باید میان دو نوع ترجمه که در سطح کلمه صورت می گیرد تفاوت قایل شد. این دو نوع ترجمه را می توان ترجمه تحت اللفظی و ترجمه دقیق نامید. در ترجمه تحت اللفظی هر چند واحد ترجمه کلمه است اما مترجم کوششی در ایجاد انسجام میان کلمات به کار نبرده و ترجمه در زبان مقصد روان و پذیرفتنی نیست. در ترجمه دقیق، مانند روشی که معمولاً در ترجمه شعر به کار گرفته می شود، واحد ترجمه کلمه است ولی مترجم نهایت سعی خود را به کار برده تا با انتخاب دقیق ترین کلمات و استفاده از حداقل لفظ، معنی را به صورتی قابل درک و قابل قبول بیان کند. تفاوت میان ترجمه تحت اللفظی و ترجمه دقیق تفاوت میان مترجم تازه کار و مترجم صاحب تجربه است.

۳ - هر چه واحد ترجمه بزرگتر انتخاب شده باشد ترجمه آزادتر و روان تر است. ولی بزرگ بودن یا کوچک بودن واحد ترجمه فی نفسه امتیازی به شمار نمی آید. مترجم با عنایت به سه عامل یاد شده برای انتخاب واحد ترجمه باید دلیلی قابل قبول داشته باشد. به طور کلی مترجم باید تا حد امکان کوچکترین واحد ممکن را برای ترجمه برگزیند. این قانون مثل همه قوانین ترجمه قانونی کلی است و در همه موارد صادق نیست. همانطور که ترجمه لفظ به لفظ روش نامطلوبی است، ترجمه جمله به جمله نیز همیشه روش مطلوبی نیست زیرا ممکن است با مسوولیت مترجم در قبال نویسنده منافات پیدا کند. برخی از مترجمان حرفه ای که در اثر سالها تجربه در دگرگویی (paraphrase) مهارت پیدا کرده اند، به روش جمله به جمله ترجمه می کنند. اینان

* البته مثال چهارم را بی آنکه مجبور باشیم در سطح جمله ترجمه کنیم می توانیم کلمه به کلمه به فارسی برگردانیم به طوری که ترجمه آن روان و قابل قبول نیز باشد: ترجمه پیشنهادی: رهبری مدبرانه اش، سپاس ملتی قدرشناس را نصیب او کرده است.

نخست جمله را می خوانند و بعد مضمون آن را به قالب فارسی می ریزند به طوری که ترجمه روان و زودبایب می شود. این مترجمان چنان به این روش خو گرفته اند که در ترجمه هیچ جمله به خود اجازه نمی دهند ببینند آیا اصلاً به این کار نیازی هست یا اینکه می توان جمله اصلی را در سطح کلمه ترجمه کرد، این کار نوعی ساده کردن متن اصلی است و در ترجمه برخی از انواع متون خاصه ادبیات باید از این روش پرهیز کرد.

اینک در توضیح بیشتر نکات فوق توجه خوانندگان را به مثالهای زیر جلب می کنم. جملات ۱ تا ۴ از ترجمه دکتر عزت الله فولادوند از رمان آمریکایی آرام برگرفته شده است:

1. The priest shut his breviary and said, «Well, that's finished.»

کشیش کتاب دعایش را بست و گفت: «خوب، این هم از این.»

«این هم از این» ترجمه دقیق، روان و زیبایی است در سطح جمله از عبارت That's finished. ترجمه تحت اللفظی عبارت انگلیسی در متن بی معنی است.

2. We had never been friends since the night she was taken ill in the Grand Monde and I had seen Phuong home.

از شبی که در گران موند حالش به هم خورده بود و ناگزیر من فوتونگ را به خانه رسانده بودم چندان میانه گرمی باهم نداشتیم.

بخش اول جمله یعنی بند پیرو (subordinate clause) در سطح بند ترجمه شده است. در ضمن در اینجا فعل take ill با توجه به متن و نه جدا از متن، «به هم خوردن حال» ترجمه شده و نه مریض شدن که ترجمه ظریف و دقیقی است.

3. She was a very literal woman.

همه چیز را دقیقاً به مفهوم حقیقی کلمه تلقی می کرد؛ شوخی سرش نمی شد.

در اینجا مترجم توانسته مفهوم کلمه literal را با یک کلمه در فارسی بیان کند و مجبور شده آن را در دو جمله توضیح بدهد.

4. Pyle said with a dim attempt at humour...

پایل برای اینکه مطلب را تا اندازه ای به شوخی زده باشد گفت...

این جمله نیز در سطح گروه (گروه قیدی with a dim attempt at humour) ترجمه شده است.

مثالهای زیر از کتاب اصول و مبانی ترجمه تألیف خانم طاهره صفارزاده نقل می شود:

5. honestly surprised

جداً تعجب کرده بود

6. So we drove on toward death through the cooling twilight.

و بدینسان در هوای فرجبخش صبحگاهی به سوی مرگ پیش می‌رانندیم.

7. He walked heavily round the shed. با تانی در انبار شروع به قدم زدن کرد.

8. Four candles flickered on the table in the diminished wind.

روی میز چهار شمع در وزش باد ملایم سوسو می‌زد.

9. After weeks of vain effort did the right idea occur to somebody.

فقط بعد از هفته‌ها کوشش بی‌حاصل بالاخره راه حل مناسبی به ذهن یکی از آنها رسید.

10. with wide, sloping shoulder با شانه‌های پهن و فروافتاده

در جملات فوق ترکیباتی هم‌آیند وجود دارد که همه آنها به ترکیباتی هم‌آیند در فارسی ترجمه شده‌اند. ترکیبات هم‌آیند در ترجمه‌های فوق در واقع ویرایش شده ترکیباتی نامفهوم یا نادرست است که از ترجمه‌های چاپ شده گرفته شده است. در این ترجمه‌ها مترجمان اجزاء ترکیبها را به عنوان واحدهای معنایی مستقل و بدون ارتباط معنایی با یکدیگر ترجمه کرده‌اند به طوری که ترکیبهای حاصل ترکیباتی نامفهوم و غیرقابل قبول است. در زیر اصل ترجمه و نوع ترکیب آمده است:

اصل ترجمه	نوع ترکیب	اصل ترکیب
5. honestly surprised	صفت + قید	صادقانه تعجب کرده بود.
6. cooling twilight	اسم + صفت	در نیمه تاریکی خنک شونده.
7. walked heavily	قید + فعل	با سنگینی قدم می‌زد
8. candles flickered	فعل + اسم	شمع پت پت می‌کرد
diminished wind	اسم + صفت	وزش تخفیف یافته باد
9. right idea	اسم + صفت	ایده شایسته
10. wide, sloping shoulder	اسم + صفت	شانه‌های عریض و گشوده

همچنین به جملات زیر توجه کنید:

11. Mrs Strickland might congratulate herself that her party was a success.

جای آن داشت که خانم استریکلند از گرمی ضیافتش به خود بیالذ. (ترجمه در سطح جمله)

12. He Sets then to work, he 'gives back to them the bare minimum that would permit them from starving.

او آنها را به کار می‌گمارد و در عوض قوت بخور و نمیری به آنها می‌دهد. (در اینجا واحد ترجمه گروه است. گروه اسمی... the bare minimum... بر حسب ضرورت به گروه اسمی معادلی در فارسی ترجمه نشده است.)

13. Her finger nails were red.

لاک قرمزی هم به ناخنهایش زده بود. (ترجمه در سطح جمله)

چنانکه گفته شد، لااقل در مورد متونی که در ترجمه آنها حفظ شیوه بیان نویسنده نیز اهمیت

و ضرورت دارد، مترجم باید در سطح کوچکترین واحد ترجمه یعنی کلمه ترجمه کند و بدیهی است برای اینکه ترجمه اش روان و پذیرفتنی باشد باید وقت بسیار صرف کند و از لغات فارسی و خواص ترکیبی آنها نهایت استفاده را ببرد. مترجمان برجسته و متعهد هم به زبان فارسی و هم به زبان متن یعنی هم به خواننده و هم به نویسنده وفادار می مانند، کاری که، به طور نسبی، در ترجمه حتی دشوارترین متون کاری ناشدنی نیست. مترجمی که به زبان مادری خود تسلط دارد نه با ترجمه کل متن در سطح جمله، متن را ساده می کند و نه با ترجمه لفظ به لفظ متن، ترجمه ای بی معنی و غیرقابل قبول بدست می دهد. به عنوان نمونه، قسمتی از ترجمه آقای عبدالله کوثری از آتورارا که عمدتاً در سطح کلمه ترجمه شده است در اینجا نقل می کنیم.

in the depths of the dark abyss, in your silent dream with its mouths
opening in silence, you see her coming towards you from the blackness of
the abyss, you see her crawling towards you,
in silence,
moving her fleshless hand, coming towards you until her face touches
yours and you see the old lady's bloody gums, her toothless gums, and
you scream and she goes away again, moving her hand, sowing the abyss
with the yellow teeth she carries in her bloodstained apron:
your scream is an echo of Aura's, she is standing in front of you in
your dream, and she's screaming because someone's hands have ripped her
green taffeta skirt in two, and then
she turns her head towards you
with the torn folds of the skirt in her hands, turns towards you and
laughs silently, with the old lady's teeth superimposed on her own. while
her legs, her naked legs, shatter into bits and fly towards the abyss...

در ژرفای پرتگاه تاریک، در رویای خاموش تو با دهانهایی که در سکوت گشوده می شوند،
می بینی اش که از ظلمت پرتگاه به سوی تو می آید، می بینی اش که به سویت می خزد.
در سکوت،

دستهای بی گوشتش را می جنباند، به سویت می آید، تا آن که چهره به چهره ات می ساید و
توله های بی دندان بانوی پیر را می بینی و جیغ می کشی و او دیگر بار دست جنبان دور می شود و
دندانهای زردش را که در پیشند خون آلود ریخته است بر پرتگاه می افشاند:

جیغ تو بازتاب جیغ آتوراست. او پیش روی تو در رویایت ایستاده است و جیغ می کشد، چرا
که دستی دامن تافته سبزش را از میان دریده است و آنگاه سر به سوی تو می کند.

نیمه های دریده دامنش در دست، سر به سوی تو می کند و خاموش می خندد، با دندانهای
خانم پیر که روی دندانهای خود نشانده است، و در این دم، پاهایش، پاهای عربانش تکه تکه
می شود و به سوی پرتگاه می پرد....